

امروز محیط زیست و طبیعت سرزمین ایران زنج می‌برم.

به جز نوشتن، هنر دیگری هست که آن را به‌طور جدی دنبال کرده باشید؟ یا دوست داشتید آن را دنبال کنید و نتوانستهاید؟

متأسفانه خیر. به نقاشی و موسیقی و سایر هنرها علاقه دارم. به خصوص موسیقی سنتی ایران را خیلی دوست دارم و هر زمان که فرصتی داشته باشم گوش می‌کنم ولی هیچ هنری را نیاموخته‌ام و کار نمی‌کنم.

دوستانی که پیش از همه به یادشان بودید و هستید چه افرادی هستند؟

شاید یکی از عوامل اصلی که موجب شد من این مسیر را در زندگی‌ام طی کنم افرادی بودند که در مراحل مختلف زندگی با آن‌ها رویه‌رو شدم و همیشه خود را مدیون مرهون آن‌ها می‌دانم. همواره سعی کرده‌ام با این افراد ارتباط بگیرم و تا جایی که ممکن است خاطراتشان را ثبت و ضبط کنم. یکی از بزرگ‌ترین افرادی که بر زندگی من تأثیر گذاشته‌اند زنده‌یاد آقای «مشارزاده» مدیر مدرسه دوران دبستانم بودند و آقای «سعیدزاده» معلم کلاس پنجم دبستانم که ایشان هنوز در قید حیات هستند و گاهی خدمتشان می‌رسم و خاطراتشان را ثبت و ضبط کرده‌ام. در دوران کاری، حاج‌آقا «پسته‌ای» خیلی به ما کمک کردند و در موفقیتی که داشتیم تأثیرگذار بودند. مرحوم آقای هنری و مرحوم آقای آگاه را بسیار یاد می‌کنم. دوستان فراوانی دارم که از آن‌ها چیزهای فراوانی آموخته‌ام و مدیون آن‌ها هستم. اگر بخواهم همه را نام ببرم تعدادشان آن‌قدر زیاد است که از حوصله این متن بیرون باشد. دوستان دوران مدرسه را خیلی اوقات می‌بینم. در سال‌های اخیر، دوه سه مرتبه سعی کردم دوستان دوران دبستان و راهنمایی و دبیرستان را جمع کنم و یکی، دو مرتبه هم موفق شدم. در مجموع بگویم که من بسیار اهل نشست‌وب‌خواست با افراد هستم. وقتی کرمانم هیچ روزی نیست که مهمانی در خانه‌مان نباشد. هر بعدازظهر، زمستان و تابستان، دوستان و همکاران می‌آیند و اوقاتی را در کنار هم می‌گذرانیم. شخصیت‌های کتاب «رواق زبرجد» را الگوی خودم می‌دانم و از آن‌ها آموخته‌ام.

آقای مهندس، شما در شبکه‌های اجتماعی هم فعالید. یک کانال در تلگرام دارید که حدود ۱۰ هزار عضو دارد و مرتب هم به‌روز می‌شود. بازخورد مطالبی که می‌نویسید برای آن‌ها مهم است؟

بله، خیلی برایم مهم است. به این فعالیت‌های رسانه‌ای که انجام می‌دهم بسیار علاقه دارم. وقت زیادی هم برای نوشتن مطالب می‌گذارم. هم باید جوانب اجتماعی و اقتصادی مطالبی که می‌نویسم را مدنظر داشته باشم، هم از صحت آن اطمینان پیدا کنم و هم مراقب باشم که مطلبی خلاف نظر عزیزان نظارتی ننویسم. کار خیلی سختی است و همیشه به شما رسانه‌ها آفرین و احسنت می‌گویم؛ من با یک کانال کوچک که هفتگی و گاهی دو هفته‌ای یکبار در آن مطلبی منتشر می‌کنم چقدر درگیرم، شما رسانه‌ها هر روز و هر ساعت با این دردسرها سروکار دارید.

اگر قرار باشد همه اعضای کانال تلگرام‌تان، آن را ترک کنند و فقط یک نفر بماند، دوست دارید آن یک نفر چه کسی باشد که شما را بخواند؟

هیچ‌وقت به چنین چیزی فکر نکرده‌ام. اگر این اتفاق بیفتد خیلی از دست خودم ناراحت می‌شوم که چه کرده‌ام این‌طور شده است.

این یک اتفاق محال است. ما فقط فرض می‌کنیم رخ داده است. آن یک نفری که دوست دارید مطالب شما را

حتما بخواند کیست؟

کسانی که علاقه دارم مطالبم را بخوانند اصلا عضو کانالم نبوده و نیستند. چون کسانی هستند که معمولا وقت مطالعه ندارند و یا اهمیتی به مطالب و دغدغه‌های ما نمی‌دهند.

شما از معدود افرادی هستید که با وجود اینکه توان این را داشته‌اید اما هیچ‌وقت به تهران یا خارج از کشور برای سکونت دائم مهاجرت نکرده‌اید. چه چیزی شما را در کرمان نگه داشته است؟

خاک کرمان و همراهان و همکاران و دوستانم که از بچگی با آن‌ها زندگی کرده‌ام. من تعلق خاطر خاصی به کرمان دارم و همیشه دلم خواسته اثری هرچند کوچک در حوزه توسعه و فرهنگ و درمان و ورزش استان داشته باشم و اینکه در این سال‌ها سعی کرده‌ام در همه مجموعه‌های خیران سلامت، خیران مدرسه‌ساز، خیران ورزشی‌ساز و مراکز عبادی و انجمن‌ها و تشکلهای و نهادهای حضور داشته باشم برای همین بوده که خدمتی هرچند کوچک به کرمان داشته باشم. همان‌طور که گفتید من، هم امکان مهاجرت به تهران و استان‌های دیگر و هم خارج از کشور را داشته‌ام ولی نرفتم. البته فرزندانم و دیگران را مقید نکرده‌ام که بمانند ولی خودم را مقید کرده‌ام که تا هستم در کرمان باشم.

از چه چیز کرمان خوشتان نمی‌آید؟ از چه چیز آن احساس سرخوردگی می‌کنید؟

شاید مهم‌ترین چیزی که در کرمان از آن نگرانم نجابت و صبر و حوصله زیاد کرمانی‌ها در تحمل کمبودها و مشکلات است. ما کرمانی‌ها کم مطالبه می‌کنیم و کم دردها و مشکلاتی که داریم را فریاد می‌زنیم. البته یکی از دوستان همیشه می‌گوید این، نجابت نیست و چیز دیگری است. ما کرمانی‌ها می‌خواهیم حتی حق‌مان را با نجابت و خواهش و تمنا بگیریم. همین نبود مطالبه‌گری حق و حقوق استان است که باعث شده با این همه ظرفیت صنعتی و معدنی و کشاورزی، استان اول کشور در زمینه فقر باشیم و بالاترین آمار کشور در حوزه افراد تحت پوشش کمیته‌امداد را داشته باشیم.

شما چهار دهه در اقتصاد استان کرمان حضور دارید. خیلی‌ها معتقدند کرمان پیشرفت چندانی نداشته و در بسیاری از زمینه‌ها عقب مانده است. شما هم همین نظر را دارید؟

نه تنها پیشرفت نداشته بلکه در مقایسه با ظرفیت‌ها و داشته‌ها و منابع، عقب‌گرد هم داشته است. ایران هم همین وضعیت را دارد. این همه از منابع و ثروت‌های بین‌نسلی آب و نفت و معدن و گاز و انرژی برداشت کرده‌ایم ولی آن جایگاه را که باید داشته باشیم نداریم. صحبت از برداشت بیش از دو هزار میلیارد دلار منابع نفت و گاز است.

از منابع آبی آن‌قدر بی‌رویه برداشت کرده‌ایم که فاجعه تمدنی در حال وقوع است. از لحاظ فرسایش خاک و فرورفتن در دنیا اول شده‌ایم. آنچه را که هزینه کرده‌ایم و چیزی که به دست آورده‌ایم قابل قیاس نیست. البته برخی استان‌ها که مطالبه‌گری بیشتر دارند و فعال‌تر در زمینه گرفتن منابع بودند کمی جلوتر رفته‌اند. در بین ۳۱ استان کشور که هرکدام را چندین بار رفته‌ام، باید بگویم که کرمان از لحاظ پیشرفتی که داشته جزو ۱۰ استان اول کشور است ولی این پیشرفت، متناسب با ظرفیت‌های فراوانی که دارد نیست.

در ۱۰ سال اخیر، استانداران دولت‌های متعدد در کرمان به‌وفور شعار حمایت از سرمایه‌گذاری داده و می‌دهند. وقتی این شعارهای حمایتی را می‌شنوید خوشحال و امیدوار می‌شوید؟ متأسفانه نه.

چرا؟

من در زمینه‌های متعدد کاری در استان فعالیت دارم. در حوزه صنعت متأسفانه واحدهای متعددی از جمله استیل بارز و نساجی ما زمین‌گیر است. تنها صنعتی که توانسته موفق باشد سیمان است. در حوزه معدن با مسائل و مشکلات زیادی مواجهیم. در فعالیت‌های صادراتی با گرفتاری‌های ارز و مسائل بانکی دست به گریبانیم. در جلسات هیات‌مدیره شرکت‌ها و در جریان گزارش‌هایی که داده می‌شود می‌بینم که بسیاری از فعالان اقتصادی، تحت تأثیر عوامل بیرونی، از عهده اداره همین مجموعه‌هایی که هستند برنمی‌آیند. با این وضعیت چطور می‌خواهیم با سرمایه‌گذاری‌های جدید توسعه را ایجاد کنیم؟ در جریان همایش سرمایه‌گذاری آیدکس که اتاق بازرگانی کرمان امسال برگزار کرد به دوستان گفتم که من اگر جای شما بودم به جای آیدکس، همایشی با موضوع رفع موانع و حل مشکلات واحدهای موجود برگزار می‌کردم و حتی گفتم درباره این موضوع حاضرم سخنرانی جدی‌ای داشته باشم و بگویم که چه مسائلی را داریم که نیاز است حل شود تا سرمایه‌گذاری‌های فعلی را در استان حفظ کنیم. مسائلی مثل تعدیل نیرو و تعطیلی واحدها و شرکت‌ها را نمی‌توان در استان نادیده بگیریم و بگویم سرمایه‌گذار جدید بیاید. حفظ سرمایه‌گذار و سرمایه‌های قبلی ضرورت بالاتری دارد. هنگامی که مشکلات حل شود مطمئن باشید سرمایه‌گذار جدید خودش خواهد آمد. هر سرمایه‌گذار، قبل از اینکه فعالیتی را شروع کند از تجربه سرمایه‌گذاران قبلی می‌پرسد. وقتی ببیند دیگران درگیر صدها مشکل و مانع هستند چطور ممکن است او هم در استان ما سرمایه‌گذاری کند؟ سرمایه‌گذاری‌هایی هم که در این سال‌ها وارد شده‌اند اغلب یا در حد اسم و شعار بوده یا مجموعه‌هایی بوده‌اند که شرایط خاص و رانت‌هایی برای آن‌ها وجود داشته است. با این وضعیت، اینکه شعار حمایت از سرمایه‌گذاران را بدهند مرا خوشحال و امیدوار نمی‌کند و فکر می‌کنم استانداران باید ابتدا مسائل جاری و مشکلات سرمایه‌گذاران فعلی را رفع کنند. در مجموعه‌ای که در حوزه صنعت پسته و صادرات داریم و خودم کار اجرایی می‌کنم تقریبا هیچ روزی نیست که درگیر یک گرفتاری در حوزه مالیات و تامین اجتماعی و شهرداری و مسائلی در حوزه اوقاف مواجه نباشیم. همه این نهادها به‌دنبال وصول پول و افزایش میزان وصولی خود هستند. نمی‌دانم اداره اوقاف کرمان چه هزینه‌ای برای استان می‌کند که از همه ما طلبکار و همه به آن بدهکاریم؟ یا مثلا شهرداری به مجموعه‌ای

که در جاده زنگی‌آباد داریم چه خدمتی ارائه می‌کند که هر روز گرفتاری درست می‌کنند که فلان مبلغ را باید پرداخت کنیم؟ من فکر می‌کنم گروه کوچکی در حوزه‌های کشاورزی و صنعت و تجارت و اقتصاد خصوصی استان فعالند و عده زیادی در مجموعه‌های اداری به دنبال آن هستند که از این گروه، هرآنچه می‌توانند بگیرند تا جایگاه‌شان ارتقا پیدا کند. این مشکلات متأسفانه دیده هم نمی‌شود. یک مامور مالیاتی به اشتباه یا به عمد مبلغ مالیاتی کلانی را می‌نویسد که حق شما نیست؛ مثلا به جای ۱۰۰ هزار تومان، می‌نویسد یک میلیون تومان. دو سال از‌گزار باید به انواع کمیسیون‌ها بروید تا ثابت کنید اشتباه کرده است. وقتی هم می‌پذیرند چه چیز عاید شما می‌شود؟ دو سال خسستگی و صرف وقت و انرژی و توان ذهنی و فکری، چه چیزی نصیب آن ماموری می‌شود که اشتباه کرده؟ می‌گویند خدا خیرش بدهد که به‌جای ۱۰۰ هزار تومان می‌خواسته یک میلیون تومان دریافت کند! تازه به او ارتقا هم می‌دهند بدون اینکه یک‌بار مواخذه شده باشد که چرا یک بنگاه اقتصادی را دو سال زمین‌گیر کرد؟ یا شهرداری می‌گوید بابت فلان موضوع باید ۵۰۰ میلیون تومان بپردازید. صد جا باید بروی که ثابت کنی این رقم اشتباه است. سرمایه‌گذار جایی می‌رود که بدانند حامی دارد نه اینکه از صبح تا شب برای او خط و نشان بکشند. در حوزه بیمه تامین اجتماعی هم مشکلات متعددی وجود دارد. بعد از ۲۰ سال الان باید بروی جواب بدهی که چرا فلان کارگر فلان روز سر کار نبوده است. کجای دنیا این‌طور است؟ در همه کشورها، وقتی کارفرما از نیروی کار راضی نباشد، همکاری با او را قطع می‌کند و هیچ‌جا هم مواخذه نمی‌شود. دولت هم می‌گوید اگر نیروی خوبی بود اخراج نمی‌شد. اینجا برعکس است و کارفرما نوکر کارمند است در صورتی که کارگر باید به حقوق و حق خودش آگاه باشد و این‌طور نباشد که دولت و حاکمیت مدام کارفرما را فرایخواند که توضیح بده یا مبلغی را پرداخت کن. متأسفانه از اینکه فضای استان فضای توسعه سرمایه‌گذاری نیست.

آقای جلال‌پور، شما هم مثل بسیاری از مردم عادی نرخ دلار و سکه را دم به دقیقه دنبال می‌کنید؟ بابت دلاری که به ۱۰۰ هزار تومان رسیده حرص می‌خورید یا با آگاهی‌ای که از وضعیت اقتصاد کشور دارید دلار صد هزار تومانی برایتان غافلگیرکننده نبود؟

من مجبورم مدام پیگیر نرخ دلار باشم چون شلغم صادرات است و باید حساب کنم که پسته را در دنیا با چه نرخ می‌خرند و دلار چه قیمتی دارد تا براساس آن قیمت

کلایی که می‌خریم را معلوم کنیم. من مجبورم ولی توصیه نمی‌کنم که همه نرخ دلار را دنبال کنند چون جز اعصاب‌خردی و ناراحتی چیزی ندارد. وضعی که ما امروز در عرصه بین‌الملل داریم و شرایط اقتصادی فعلی قابل پیش‌بینی بود. نمی‌شود هم با دنیا بجنگیم و هم توقع داشته باشیم دلار نرخ منطقی‌ای داشته باشد. به قول آقای آل‌اسحاق نمی‌توان با لباس رزم به بزم رفت. داریم با دنیا می‌جنگیم؛ درست یا نادرست آن را من نمی‌دانم بلکه سیاست‌گذاران کشور می‌دانند. نمی‌توانیم توقع داشته باشیم در بزم بنشینیم. دنیا شوخی با کسی ندارد که بخواهد ما را اقتصاداً بهتر شود و ارز نرخ مناسب‌تری داشته باشد باید با دنیا همراهی و همدلی و همکاری داشته باشیم. توافق برجام و گشایش‌های بعد از آن را همه به خاطر داریم. در مدت سه سال و نیمی که برجام پابرجا بود دلار نرخ ثابتی داشت یا در دولت آقای خاتمی چنین تجربه‌ای را داشتیم.

* خیلی از جوان‌ها می‌پرسند بالاخره چه خواهد شد؟ اقتصاد کشور به کجا می‌رسد؟ کی به ثبات و رفاه می‌رسیم؟ پاسخ شما به این پرسش‌ها چیست؟ در واقع می‌خواهم بدانم آینده کوتاه‌مدت ایران، از نظر شما چه رنگی دارد؟ روشن یا تیره؟

همه چیز به تصمیم سیاست‌گذاران کشور بستگی دارد. اگر با همین منوال فعلی پیش برویم آینده اصلا روشن نیست. اما اگر تغییر رویکرد و پارادایم بدهیم و به سمت تعامل با دنیا برویم آینده ایران می‌تواند خیلی روشن و حتی بهتر از همه کشورهای منطقه باشد. هنوز این ظرفیت و امکان وجود دارد تا به چنین نقطه‌ای برسیم منتها باید تغییر مسیر بدهیم. ما به دنیا نیامده‌ایم که مراقبت کنیم در جایی از کره زمین ظلمی اتفاق نیفتد بلکه ما متصدی کشور خودمان هستیم و اگر به دنبال بهبود شرایط بهتر کشور خودمان باشیم آینده روشن خواهد بود. در غیر این‌صورت همین درگیری‌ها و مشکلات ادامه خواهد یافت و در برخی زمینه‌ها تشدید هم خواهد شد.

* فکر می‌کنید برجام دوباره تکرار خواهد شد؟ شما هم مثل مردم عادی منتظر مذاکره با آمریکا هستید؟

پرونده برجام که از نظر ایران و آمریکایی‌ها بسته شده است. مذاکره با آمریکا موضوع جدیدی است. امیدوارم به این نتیجه برسیم که مذاکره کنیم. کم‌اینکه رئیس‌جمهور پزشکیان هم گفته‌اند به این نتیجه رسیده‌ایم ولی شرایطی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد مذاکره کنیم.

